

The Quran and Science Studies
Bi-Quarterly specialized-scholarly
journal.

Vol. ۱, No. ۲,
Fall & Winter ۲۰۱۷
P ۷- ۳۶

دو فصل نامه علمی - تخصصی

مطالعات قرآن و علوم

س ۱ ش ۲ پاییز و زمستان ۱۳۹۶

صفحات ۷ تا ۳۶

متدلوژی پژوهش‌های بین رشته‌ای دین پژوهی و قرآن کاوی در

پارادایم تفکر قرآنی

سید جواد حسینی کوهی خیلی*

چکیده

تولید علم و علم دینی در عصر حاضر چنان گذشته، بلکه پیچیده‌تر و تخصصی‌تر از گذشته به عوامل متعددی بستگی دارد که پژوهش و تحقیق از مؤلفه‌های اصلی و غیر قابل انکار آن محسوب می‌شود. پژوهش‌های بین‌رشته‌ای متد و روش نوینی از انواع روش‌های پژوهشی هستند که در حال حاضر در جریان دین‌پژوهی و قرآن کاوی و تولید علم و علم دینی به‌عنوان یکی از تخصصی‌ترین روش‌های پژوهشی کسب معرفت مطرح هستند. به‌کارگیری این نوع از پژوهش‌ها در عرصه دین‌پژوهی و قرآن کاوی در عصر حاضر، و الزامات چرایی و چگونگی آن در این عرصه، موضوعی است که ما را بر آن داشت تا نسبت به مؤلفه‌های ثبوتی و اثباتی آن در پارادایم‌های مختلف و پارادایم تفکر قرآنی حساس شده، به تبیین آن بپردازیم. نوشته حاضر پژوهشی است بین‌رشته‌ای در چرایی و چگونگی و بیان مؤلفه‌های پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در

*. دانش آموخته دکتری قرآن و علوم با گرایش بهداشت و سلامت جامعه المصطفی:

حوزه‌های دین‌پژوهی و قرآن‌کاوی که با کنکاشی در پارادایم‌های متفاوت انجام شده، تقدیم خوانندگان عزیز می‌گردد.

واژگان کلیدی: روش، علم، علم دینی، پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، پارادایم قرآنی.

مقدمه

در نگاهی به پیشینه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، درمی‌یابیم که این گروه از پژوهش‌ها در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی، خصوصاً علوم تجربی و به‌خصوص در مطالعات دینی و قرآنی از دیرینه چندان مستحکمی برخوردار نیستند. بلکه در طول زمان با تخصصی‌تر شدن علوم، در دهه‌ها و قرون اخیر، تنها پژوهش‌های تکررشته‌ای در علوم تخصصی مطرح بودند. تا اینکه شاید در یکی، دو دهه اخیر در موضوعات انسانی و خصوصاً دینی و قرآنی، به دلیل نیاز مبرم به تحقیقات بین‌رشته‌ای به آن اقبال قابل توجهی شده است. از این منظر عرصه دین‌پژوهی و قرآن‌کاوی میدان مقدسی است که از یک‌سو در عصر حاضر به دلایل مختلف از جمله ایجاد شبهات، و قلب و محو حقایق و تبلیغات سوء مغرضان، و از سوی دیگر نیاز تشنه‌وار جامعه علمی به معارف الهی و آموزه‌های قرآنی، نیازمند تلاش مضاعفی از سوی محققین این عرصه جهت تبیین حقیقت قرآن و کارآمدی آموزه‌های دینی در عرصه زندگی انسانی است. یکی از چالش‌های جدی دهه‌های اخیر در جریان پژوهش‌های علمی، روش‌های تحقیق بین‌رشته‌ای است که مورد مناقشه اندیشمندان عرصه‌های مختلف دینی و علمی بوده است، ظاهراً وقتی این مناقشه به پژوهش‌های بین‌رشته‌ای دینی و خصوصاً پژوهش‌های بین‌رشته‌ای قرآنی می‌رسد، ظریف‌تر و سخت‌تر و مشکل‌تر می‌نماید.

روی آورد نوینی است که برای رفع حصر گرایی روش‌شناختی و تفکر تقلیل-گرایانه ناشی از آن به میان آمده است. آنگاه که مسائل و پدیده‌های دینی چند تباری و کثیرالاضلاع مطرح می‌شوند، این روی‌آورد در مطالعات دینی از اهمیت فراوانی برخوردار می‌شود؛ به طوری که گمان می‌رود گزاره‌های دینی، بدون اخذ رهیافت میان‌رشته‌ای در مطالعات دینی و پژوهش‌های قرآنی، به تحریف پدیدارهای دینی می‌انجامد. در این مقال ضمن برشمردن و شناخت مفهومی واژگان مؤثر و بررسی چرایی و چگونگی پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در پارادایم‌های مختلف، به بیان مؤلفه‌های حاکم بر پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در پارادایم تفکر قرآنی پرداخته، به اصول و مبانی و قواعد اجرایی آن اشاره خواهیم نمود.

الف) ترمینولوژی و واژه‌شناسی مفاهیم:

۱- روش: واژه‌ی «روش» ترجمه لغت «dotem» است که از واژه یونانی «متا» به معنای «در طول» و «اودوس» یعنی «راه»، گرفته شده و مفهوم آن در پیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدف و مقصودی با نظم و توالی خاص است. روش به مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌آیند و مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کنند اطلاق شود. (حسینی کوهی خیلی، نظام جامع سلامت اجتماعی از منظر قرآن و روایات، ۱۳۹۴، ص ۱۳) کما اینکه بعضی از محققین علوم دینی روش را این‌گونه تعریف کرده‌اند: روش، عبارت است از شیوه‌های استدلالی و مسیر و اسلوبی که استدلال‌های بکار رفته در یک دانش، در آن قرار گرفته و بر آن حاکم است و در روش‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر روش در حقیقت، پژوهش، سنجش، شیوه کاربرد استدلال و اکتشاف درباره یک چیز یا درباره یک علم یا موضوع را گویند. (عابدی شاهرودی، جایگاه شناسی علم

اصول، روش‌ها، منابع و ادله در علم اصول، ۱۳۸۵ ج ۲. ص ۱۸) به گونه‌ای که مفهوم روش به سه گونه فعالیت زیر ختم می‌شود:

- مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش واقعیت‌ها باید بکار روند.
- مجموعه ابزارهای فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌نمایند.

- مجموعه کارهایی که انسان را به کشف مجهول‌ها و حل مشکلات هدایت می‌کنند. (خاکی. روش تحقیق در مدیریت ۱۳۹۴. ص ۳۰)

۲- علم: اندیشمندان معتقدند که اصطلاح علم در علوم مختلف دارای معانی متفاوتی است که به صورت مشترک لفظی استعمال می‌شود. (خسرو پناه. کلام جدید ۱۳۸۳. ص ۳۶۹) به طوری که علم در علوم تجربی با رویکرد پوزیتیویستی، معادل واژه science (به علوم‌ی که با روش تجربی و حسی تحصیل می‌شوند گفته می‌شود. (استرول. فلسفه تحلیلی در قرن بیستم ۱۳۸۴. ص ۱۰۸) چنانچه علم در فلسفه اسلامی به معنای مطلق آگاهی و اعم از علم حصولی و حضوری، (طباطبایی. نه‌ایه الحکمه ۱۴۲۲ ه، ق.ص ۲۹۶) و در منطق به معنای علم حصولی و صورت ذهنی، و در فلسفه غرب به معنای باور صادق موجه، و یا از نظر بعضی از محققین به مطلق دانش‌های بشری، اعم از علوم طبیعی و انسانی و فلسفی و عرفانی اطلاق می‌شود (الگوی حکمی - اجتهادی علوم انسانی. فصلنامه جاویدان خرد. سال هشتم. شماره سوم. ص ۳۱) مقصود نگارنده از علم نیز مطلق دانش بشری است که دارای گزاره‌هایی مدلل، منسجم، معنادار و مقبول است که معادل واژه Knowledge می‌باشد.

مفهوم علم در پارادایم اجتهادی نیز، به مجموعه گزاره‌هایی حول یک محور و موضوع و غرض خاص اطلاق می‌شود که بر پایه منابع و متون دینی به روش اجتهادی

نوین استخراج می‌شود. برخلاف پارادایم پوزیتیویستی، در پارادایم اجتهادی، علوم انسانی تنها به مثابه مجموعه‌ای از گزاره‌های حاصل از روش تجربی تلقی نمی‌شود. و یا برخلاف پارادایم تفسیری، علوم انسانی صرفاً به فهم باورهای عرفی و کشف انگیزه‌های دخیل در ایجاد افعال فردی و اجتماعی اطلاق نمی‌گردد. (حسینی کوهی خیلی، نظام جامع سلامت اجتماعی از منظر قرآن و روایات، ۱۳۹۴، ص ۱۶۵)

۳-دین: گفته شده که بیش از هشتاد تعریف برای دین ارائه شده است که یقیناً هیچ‌یک از آنان از جامعیت کافی برخوردار نیستند. (توفیقی. آشنایی با ادیان بزرگ، ۱۳۹۰، ص ۳) بعضی از اندیشمندان معتقدند که دین در قرآن عبارت است از بینش‌ها و کنش‌هایی که همه شریعت‌ها و مذاهب در میان ملت‌های گوناگون پدید می‌آورند و به نتایج خاصی می‌رسند. (طهماسبی، دغدغه‌ای فرجامی ۱۳۷۹، صص ۷۳-۹۵) با بررسی معناشناختی گونه‌ای از آیات قرآن استفاده می‌شود که دین به معنای آیین و آداب و شریعت و قوانین است. کما اینکه از بررسی گونه دیگری از آیات برمی‌آید که دین از منظر قرآن به معنای داوری، جزاء، پاداش، کیفر و حساب نیز معنا شده است. (خسرو پناه، فصلنامه علمی-پژوهشی جاویدان خرد، ۱۳۹۰، ص ۳۷)

۴-علم دینی: مقصود از علم دینی، شامل همه علوم، اعم از علوم انسانی تجربی،

عقلی و نقلی است که به توصیف «انسان تحقق‌یافته» و «انسان مطلوب» و توصیه‌های لازم جهت عزیمت انسان، از نقطه «انسان تحقق‌یافته» به سمت «انسان مطلوب» می‌پردازد. (خسرو پناه، فصلنامه علمی-پژوهشی جاویدان خرد، ۱۳۹۰، ص ۳۲)

۵-پژوهش بین‌رشته‌ای: مطالعات میان‌رشته‌ای، در حقیقت کثرت‌گرایی روش‌شناختی، مبتنی بر گفتگو و چالش مؤثر بین گستره‌ها در تحلیل مسئله‌ای واحد است. پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، در حقیقت به شناخت یک پدیدار در پرتو گفت‌وگوی

مؤثر بین رهیافت‌های دانش‌های مختلف گفته می‌شود. (احد فراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۱۳۸۸. ص ۳۳۴)

۶- پارادایم: **paradigm** (مدل ذهنی) پارادایم به‌نوعی فهم بنیادین که مقدم به هر نوع شناخت است و سرمشق و الگوی مسلط و چارچوب فکری و فرهنگی و... که مجموعه‌ای از الگوها و نظریه‌ها را برای یک گروه یا یک جامعه شکل می‌دهد، تعریف شده است. از نظر ادگار مورن فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی پارادایم اصطلاحی است در فلسفه علم که مقصود از آن اصولی است که بر بینش ما نسبت به چیزها و جهان حاکم است. (مورن، درآمدی بر اندیشه پیچیده، ۱۳۷۹. ص ۱۶) از نظر بعضی از متفکران معاصر، پارادایم عبارت است از: نظرگاهی حاصل از مجموعه‌ای از اصول و قواعد هستی‌شناسانه، روش‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و انسان‌شناسانه مستدل و عام بدیهی و نیز مبانی نظری، اصول موضوعه و عناصر کلانی که فعالیت علمی دانشمندان را با روش‌های معینی در حوزه‌های علمی و معرفتی هدایت می‌کند؛ چارچوبی از مبانی نظری و عناصر کلانی که برای تحلیل، سنجش، کشف و اصلاح نظریه‌های علمی بکار می‌رود. (علی پور، پارادایم اجتهادی دانش دینی، ۱۳۹۰، ص ۲۵)

پارادایم‌ها محور علوم و روش‌های پژوهشی‌اند، به این مفهوم که پارادایم در اصطلاح به چارچوبی فکری و نظری خاصی اطلاق می‌شود که جامعه علمی برای مدت‌زمانی به آن معتقد و پایبند است؛ اما زمانی که این پارادایم در چارچوب فکری خود از پاسخ دادن به سؤالات مربوطه ناتوان می‌شود، به تدریج با ظهور پارادایم بعدی از ارزش و اعتبار می‌افتد و جای خود را به پارادایم جدید می‌دهد. (چالمرز، چیستی علم، ۱۳۷۹. ص ۱۰۸). حضور این مفهوم در جریان فلسفه علم سبب گسترش نگاه پارادایمیک به علوم شده که اغلب ناشی از واکنش‌های فیلسوفانه به دیدگاه

پوزیتیویستی بود که در قرن بیستم حاکمیت مطلق بر عرصه‌های علمی داشت. با این نگرش می‌توان پارادایم‌ها را در حقیقت مجموعه پیش‌فرض‌های متافیزیکی و فلسفی علم نامید که بر اساس آن‌ها هویت نظری و عملیاتی علم تعیین شده، و در جریان تولید علم این هویت‌ها هستند که دست‌خوش تغییر شده، علوم جدید را می‌سازند. لذا به نظر بعضی از دانشمندان، هر رشته علمی و هر دانشی در بستر یک پارادایم خاص چارچوبی که تعیین‌کننده دیدگاه محقق و پژوهشگر در حوزه‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی و روش‌شناختی است، شکل می‌گیرد. کما اینکه این هویت و پیش‌فرض‌ها، حتی روش‌شناسی علمی این علوم که با طراحی و اجرای آن فرایند تولید علوم عملیاتی می‌شود را نیز تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهند. آن‌گونه که می‌توان گفت که روش‌شناسی خود مدلی است متأثر و منطبق بر مدل منطقی پارادایم علوم، که خود نیز مستقلاً برخوردار از اصول نظری مخصوصی است که وظیفه آن راهبری چگونگی تحقیق در بستر یک پارادایم خاص است.

لذا ما با این پیش‌فرض که پارادایم تفکر قرآنی همانند سایر پارادایم‌ها، بلکه فراتر از آن‌ها، می‌تواند به‌عنوان کامل‌ترین پارادایم توحیدی، محور تولید علوم قرار گرفته، دارای روش علمی خاصی باشد که خود مدلی متأثر و منطبق بر مدل منطقی پارادایم تفکر توحیدی قرآن است، به بررسی مؤلفه‌های حاکم بر تحقیقات بین‌رشته‌ای در پارادایم تفکر قرآنی می‌پردازیم.

ب) متدولوژی کسب معرفت و مؤلفه‌های حاکم بر چرایی پژوهش‌های

بین‌رشته‌ای در پارادایم‌های مختلف.

مطالعه انواع روش‌های پژوهشی در علوم انسانی و اجتماعی در ذیل مبحثی به نام متدولوزی یا روش‌شناسی موضوعات علوم انسانی و اجتماعی صورت می‌گیرد. روش‌شناسی عبارت است از نظریه و تحلیل درباره نحوه اجرای پژوهش، (P. ۲، ۱۹۸۷، Harding) تحلیل مفروضات، اصول، و روش‌های اجرا در رویکردی خاص به پژوهش در موضوعی خاص. (P. ۱۶۱، ۲۰۰۱ Schwan..). روش‌شناسی در حقیقت، مطالعه، توصیف، تعریف، و توجیه روش‌ها و نه خود روش مطالعه و توجیه‌کننده روش‌های پژوهش است که در این مقال بعد از بحث از چرایی آن در پارادایم‌های مختلف، به صورت مختصر در خصوص چگونگی پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در پارادایم‌های موجود نیز بیان می‌شود.

برخلاف دیدگاه‌هایی که معتقدند، راه آزمون در جریان علم منحصر به روش تجربی بوده و به نوعی انحصار در روش کسب معرفت قائل‌اند، ما معتقدیم اگرچه نظریه‌ها و قوانین و یافته‌های علمی مبتنی بر تجربه و مشاهده، شاخص خوبی برای ارزیابی و سنجش گزاره‌های علمی هستند ولی به نظر می‌رسد روش تجربی برای سنجش گزاره‌ها و معارف فرامادی به‌تنهایی کافی نیستند. چرا که در پارادایم تفکر قرآنی جریان کسب علم تنها منحصر به روش مشاهده و تجربه و آزمون نیست و بسیاری از واقعیت‌های جهان هستی خصوصاً مسائل فرامادی، قابل مشاهده و یا دریافت با حواس پنج‌گانه متولی درک تجربه نبوده و بیرون از قانون آزمون‌پذیری‌اند که امروزه حتی طرفداران علم به معنای فوق‌ناگزیر از پذیرش آن هستند.

آن‌گونه که قرآن در سوره اسراء می‌فرماید: وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (اسراء / ۸۵) و تو را از حقیقت روح می‌پرسند، جواب ده که روح از (عالم) امر خداست (و بی‌واسطه جسمانیات به امر الهی به بدن‌ها

تعلق می‌گیرد) و (شما پی به حقیقت آن نمی‌برید زیرا) آنچه از علم به شما دادند بسیار اندک است. کما اینکه با مطالعه موضوع انواع روش‌ها و متدولوژی کسب معرفت در تحقیقات علمی نزد دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی درمی‌یابیم که بعد از ظهور رنسانس و شروع دوران مدرنیته، سه پارادایم مهم و عمده در جهان پژوهش‌های معرفتی شکل گرفت که به نحوی احصارگرایی تجربه‌گرایی محض را زیر سؤال برده است. این سه پارادایم عبارت‌اند از: پارادایم پوزیتیویستی، پارادایم تفسیری، و پارادایم انتقادی

۱- پارادایم پوزیتیویستی

پوزیتیویسم نوعی نگرش به علوم انسانی است که در قرن نوزدهم و در آثار آگوست کنت برای اولین بار مطرح شد. این رویکرد معتقد است که بهره‌گیری از روش‌های کمی و تجربی مورد استفاده در علوم طبیعی و تجربی، باید در مطالعات علوم انسانی و اجتماعی نیز انجام پذیرد تا به آن اعتبار بخشد، چرا که قوانین جامعه‌شناسی و قوانین علوم تجربی از یک نوع‌اند. این گروه از دانشمندان تنها راه عینیت بخشیدن و اعتبار علوم و از جمله علوم انسانی را تبعیت کردن و بهره‌گرفتن از روش تجربی می‌دانند. یعنی هر علم و فهم مقبول معتبری باید مبتنی بر روش و تبیین علی تجربی که در علوم فیزیکی و طبیعی جریان دارد باشد تا از اعتبار لازم علمی برخوردار گردد. البته فرآیند روش‌های تجربی که بر پایه کمیت و بر روابط علت و معلولی ناقص بنا نهاده شده‌اند دارای ضعف و انحراف‌های فراوانی است که امروزه علوم مختلف را به چالش کشیده است، در دنیای علم نیز پارادایم‌های دیگری، از این جهت در مقابل رویکرد پوزیتیویستی قرار دارند، از آن جمله پارادایم تفسیری و

انتقادی است که به آن‌ها نیز خواهیم پرداخت. پوزیتیویسم با این رویکرد، جایگاه ممتازی برای علم تجربی قائل است و تنها به حصول فهم تجربی و عینی از رفتارهای انسانی و اجتماعی باور دارد. این رویکرد ضمن تثبیت بنیان علوم تجربی و طبیعی، ارکان علوم انسانی و اجتماعی را سست و تضعیف می‌نماید. (علی پور، پارادایم اجتهادی دانش دینی، ۱۳۹۰، ص ۴۰) همان‌طور که ملاحظه می‌شود به نظر می‌رسد تحقق پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در این پارادایم تنها در بین رشته‌های علوم تجربی قابل تحقق است و تصور پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی و اجتماعی و آیات و حیانی قرآن به دلایلی که ذکر شد منتفی است. کما اینکه روش‌های معرفت بخشی در قرآن، آن‌گونه که بحث خواهیم کرد، به‌صورت کاملاً روشن، خارج از این دایره متدولوژیک قرار دارند.

۲- پارادایم تفسیری

رمانتیسم آغازگر این نحله فکری در علوم انسانی محسوب می‌شود که خود واکنشی در مقابل اندیشه متدیک و راسیونالیسم دکارتی و اصالت فیزیک کانتی بود که پارادایم پوزیتیویستی را اگرچه گونه‌ای از شناخت واقعیات می‌داند که قدرت تصرف و مهار طبیعت را به بشر می‌دهد، ولی معتقد است این شناخت همه واقعیات هستی را نمی‌تواند پوشش دهد. به این دلیل که عقل تنها منبع معرفت نیست بلکه «حیات انسان» از مهم‌ترین سرچشمه‌های معرفت انسانی است که در نگاه پوزیتیویستی مورد غفلت قرار گرفته است. این جریان فکری عقل را تنها منبع معرفت نمی‌داند بلکه حیات انسانی را از مهم‌ترین سرچشمه‌های معرفت بشری دانسته و به دلیل تجربه ناپذیری علوم انسانی و علوم معنوی، و بی‌اعتبار و غیر عینی تلقی شدن آن در نگاه

پوزیتیویستی، این جریان فکری را صائب نمی‌داند. در دیدگاه تفسیری، تجربه عقلی به‌عنوان تنها متد کسب معرفت پذیرفته نیست. بلکه معتقد است بسیاری از منابع علوم در متون، به‌عنوان پدیده‌ای انسانی و خارج از دایره طبیعت و فارغ از تجربه وجود دارند که تنها با متدلوژی هرمنوتیکی قابل کسب و دست‌یافت‌اند، به همین علت پژوهش و تحقیق و کسب معرفت در بسیاری از موضوعات که ماهیت فرا طبیعی و اجتماعی دارند تنها با این متد قابل بررسی و انجام هستند.

در این پارادایم، اهداف تحقیقات علمی در حوزه‌های علوم انسانی، تنها به فهم زندگی اجتماعی و کشف چگونگی خلق معنای اجتماعی از سوی مردم خلاصه شده و دسترسی به دلایل و انگیزه‌های کنشگران اجتماعی و درک بستر اجتماعی این کنش‌ها مقصود اصلی آن‌ها است. چرا که آنان واقعیات اجتماعی را چیزی به‌جز کشف این روابط و انگیزه‌ها نمی‌دانند و معتقدند وراى آن‌ها، واقعیت عینی دیگری وجود نخواهد داشت. همان‌طور که ملاحظه می‌شود پارادایم تفسیری اگرچه تجربه را تنها راه کشف علم نمی‌داند ولی همانند پارادایم پوزیتیویستی، بسیاری از حقایق هستی را درک ننموده، دایره تنگ آن یارای فهم بسیاری از حقایق خلقت و هستی را ندارد. تصور تحقق روش‌های پژوهشی بین‌رشته‌ای در این پارادایم از حوزه علوم تجربی فراتر رفته قسمتی از علوم انسانی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد ولی همچنان گرفتار دایره تنگ تجربه و فهم زندگی اجتماعی و کشف چگونگی خلق معنای اجتماعی و دسترسی به دلایل و انگیزه‌های کنشگران اجتماعی و درک بستر اجتماعی این کنش‌ها است.

رویکرد سومی که در حوزه متدولوژی انواع روش‌های کسب معرفت وجود دارد، پارادایم انتقادی است. این پارادایم که با ظهور مارکسیسم پیدایش یافته و با ظهور جنبش فمینیسم توسعه یافت، معتقد است که انسان‌ها در فضای اجتماعی خاصی که سعی می‌کنند از راه وضع ایدئولوژی و باور سلطه خود را بر افراد اعمال کنند متولد می‌شوند که خودشان در آفرینش آن نقشی ندارند؛ و وظیفه علوم انسانی در حقیقت شناسایی این ساختار و حذف چنین سلطه‌ای است. در پارادایم انتقادی، علم حقیقی، معرفت به مجموعه گزاره‌هایی است که ناظر به زیرساخت‌های واقعیت اجتماعی با استفاده از نظریه انتقادی و کنار زدن تضادهای عمیق در ساختار پنهان و مشاهده تعاملات عینی در لایه‌های زیرین واقعیت به منظور تغییر آن است. بنابراین از این منظر، دین و فلسفه و شعور متعارف، مبتنی بر آگاهی‌های کاذب هستند و مردم برخلاف منافع حقیقی خود، به دین و فلسفه و باورهای متعارف معتقد می‌گردند و چنین می‌پندارند که برای چنین عقایدی دلیل در اختیار دارند، در حالی که این عقاید، تنها ابزارهایی هستند که سلطه گران برای سلطه بر توده‌های مردم ایجاد کرده‌اند. در این پارادایم، هدف اصلی تحقیقات در علوم انسانی در حقیقت، به آشکارسازی زیرساخت‌ها و روابطی که بر اساس آن مناسبات سلطه در جامعه شکل می‌گیرد، خلاصه می‌شود. تا با شناخت هر چه بهتر این زیرساخت‌ها و نقد نظم اجتماعی موجود که در راستای منافع گروهی خاص ایجاد شده، وضعیت موجود را به نفع گروه‌های زیر سلطه تغییر دهد. (حسینی کوهی خیلی، نظام جامع سلامت اجتماعی از منظر قرآن و روایات، ۱۳۹۴. ص ۱۰۸).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود اگرچه موضوعات مطرح در این پارادایم هم فراتر از حوزه طبیعت و علوم تجربی است و تجربه و آزمایش به‌تنهایی قادر به کشف و معرفت‌افزایی در موضوعات مطرح در آن نیست، ولی نوع نگاه به روش کسب معرفت و

گستره آن تنها به مسائل اجتماعی و زیرساخت‌ها و روابطی که در آن شکل می‌گیرد محدود بوده، از حیثیت فرا مادی هستی و انسان و مسائل مربوط به آن غافل است.

۴- پارادایم اجتهادی دانش دینی با محوریت به‌کارگیری شیوه و روش نوین

استنباط و اجتهاد

درباره روش‌های دینی در فهم منابع وحیانی دو برداشت کلی مطرح وجود دارد: روش نقلی: مقصود از روش دینی آن است که در شناخت حقایق و واقعیت‌ها، به‌جای بهره‌گیری از روش تجربی، عقلی یا شهودی، با استفاده از وحی الهی، به‌صورت مستقیم و به‌عنوان علم حصولی، به معرفتی دست‌یابیم. چنین معرفتی تنها برای پیامبران بوده و به منزله نوعی خاص از شهود است، البته این روش برای دیگران که از طریق متون مقدس دینی به آن حقایق وحیانی شهودی دست می‌یابند، دست‌یابی به حقیقت از طریق روش اسنادی یا نقلی است، شاید به همین دلیل آن را روش نقلی نیز نامیده‌اند.

روش دینی: مقصود از روش دینی، مجموعه روش‌های مورد تأیید دین است که روش تجربی و عقلانی و شهودی را در صورتی که واقع‌نمایی و قطعیت آن‌ها احراز شود، در بر می‌گیرد. به نظر می‌رسد این نوع روش را روش دینی نامیدند. (رجبی).

انسان‌شناسی، ۱۳۷۹. ص ۲۳) نویسنده ضمن قبول این روش از آن به پارادایم اجتهادی یاد نموده، به‌کارگیری این روش و متد را برای پژوهش‌های بین‌رشته‌ای مفید علم دانسته به‌عنوان متد بین‌رشته‌ای در این نوشتار پذیرفته است. در متد و پارادایم اجتهادی، برای رسیدن به معرفت علمی، از مجموعه‌ای از روش‌های نقلی، عقلی، تجربی و تفسیری و ... استفاده می‌شود که با توجه به دامنه و قلمرو و میزان اعتباربخشی و معرفت‌افزایی دقیق هر کدام از این متدها در جای خودشان، مورد تأیید و پذیرش بوده

در این نظام، تمامی روش‌های شناختی که علم آور باشند می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند، اما طبیعی است که میزان اعتباربخشی تمامی این روش‌ها در موضوعات مختلف یکسان نمی‌باشد. در این روش تحقیقی، منابع ما متشکل از آموزه‌های وحیانی، روایات معتبر، متون علمی و دینی است که به‌عنوان پایه و اساس در این پارادایم در نظر گرفته می‌شوند و پارادایم اجتهادی نیز به‌عنوان روش و متد فهم، مسئول برداشت صحیح و مسئول به‌روز بودن این معرفت خواهد بود. بسیار روشن است که در این روش در موضوعاتی که مربوط به حوزه طبیعی باشد، از تجربه و آزمایش نیز غفلت نخواهد شد، و در سایر مباحثی که از حوزه طبیعیات و تجربه خارج‌اند، معطل‌آزمون و تجربه نخواهیم ماند و از سایر روش‌های معرفتی استفاده خواهد شد. البته وحی به‌عنوان تکیه‌گاه اصلی، جهت دهنده و تنظیم‌کننده مسیر داده‌های حسی و عقلی و حتی تجربی بشر در مسیر درست می‌باشد تا از انحراف این ابزارهای دانشی جلوگیری نماید. با این توضیح ضرورت گنجاندن وحی در منابع معرفتی علوم و روش اجتهادی در متد و روش کسب معرفت آشکار می‌شود تا وحی با نگرش جامع و شمول‌گرا بسیاری از اشتباهاتی را که خواسته یا ناخواسته ممکن است در نتیجه کاستی ابزارهای حسی و عقلی و تجربی در جریان پژوهش‌های انسانی به وجود آید، پیشگیری یا جبران نماید.

به همین جهت اسلام با مجموعه‌ای غنی از آموزه‌ها و قوانین و قواعد و اصول و تکالیف و... به‌حکم عقل یقیناً دارای یک پارادایم خاصی در حوزه فهم علوم و دانش بشری است. مهم‌ترین و شاید تنها متنی که قادر است ارکان این پارادایم را روشن نماید، قرآن به‌عنوان منبع وحی الهی و سنت امامان معصوم علیهم‌السلام به‌عنوان بهترین مفسران این کتاب آسمانی، در کنار عقل به‌عنوان حجت باطنی هستند. بر اساس این آموزه‌ها، پژوهشگران عرصه‌های علوم مختلف، اعم از علوم تجربی، علوم انسانی و

اجتماعی علاوه بر استفاده از عقل به عنوان حجت باطنی، مفری به جز رجوع به این متون و حیانی برای کشف ارکان این پارادایم نداشته، ناگزیر به مراجعه روشمند و اصولی با عنوان پارادایم اجتهادی دانش دینی به این متون هستند.

در راستای تبیین متدلوزی کسب معرفت در پارادایم تفکر قرآنی به روش اجتهادی، مؤلفه‌هایی مانند مبانی عام دانش، مبانی و اصول مربوط به علوم انسانی، و مبانی و اصول مربوط به دین، و سپس مفهوم اجتهاد و پارادایم اجتهادی و اصول حاکم بر آن و... وجود دارند که این روش را از بقیه روش‌های کسب معرفت ممتاز می‌نماید. در مبانی عام دانش، مهم‌ترین مواردی که در پارادایم اجتهادی دانش دینی مطرح هستند، عبارت‌اند از: دانش ممکن است و شک فراگیر و سفسطه در آن راه ندارد-دانش در صورت تحقق، مطلق است و نسبت‌گرایی را بر نمی‌تابد معرفت، همان باور صادق موجه است که برای انسان به صورت اکتسابی و تدریجی است و مانند هر دانش اکتسابی دیگر امکان خطا در آن راه دارد-انسان دارای روش‌هایی عام و مشترک برای تحصیل معرفت است.

در مبانی علوم انسانی در پارادایم اجتهادی دانش دینی مهم‌ترین موارد مطرح عبارت‌اند از: منظور از علوم انسانی در این پژوهش، علوم انسانی و الهیات مرسوم در دانشگاه‌ها، شامل روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی، کلام، فلسفه، الهیات و... است-این علوم ناظر به واقع و عینی و **objectiv** هستند-مراد از علوم انسانی در اسلام، علوم است که بر پایه منابع و متون دینی به روش اجتهادی استخراج شده-از آنجایی که دین متولی هدایت و تعلیم و تربیت بشر بوده و این با علوم انسانی میسر است، لذا دین متضمن گزاره‌های علوم انسانی است-با استفاده از پارادایم اجتهادی، استخراج علوم انسانی از متون دینی ممکن است و ضرورت دارد- روش اجتهادی در

پارادایم گفته شده، روش کشف علوم انسانی از متون دینی است و لذا واجد جواز شرعی و عقلی نیز هست.

مهم‌ترین مبانی و اصول در پارادایم اجتهادی دانش دینی مربوط به دین عبارت‌اند از: مراد از دین مجموعه‌ای از معارف، اعتقادات، و احکامی است که از طریق وحی نازل شده است-زبان دین، یعنی تمام قضایای توصیفی و انشایی در گزاره‌های دینی و وحیانی ناظر و مطابق با واقع هستند - عصمت سلسله نزول و انتقال وحی، معیاری ثابت برای تضمین عدم خطا در معرفت دینی است-متون دینی در قالب حداکثری است و نحوه تعامل با آن صرفاً برای فهم و کشف واقع است و با تحمیل و یا تفسیر به رأی همراه نیست-گزاره‌های وحیانی از آن جهت که با همه مراتب واقع نامحدود ارتباط دارد، به زمان و مکان خاصی تعلق ندارند-از آنجایی که علوم اکتسابی بشر به‌عنوان ابزار کشف حقایق گزاره‌های دینی محدود و خطاپذیر است، لذا فهم دین توسط بشر نیز در معرض تغییر و تحول است-مراد از منابع دین، قرآن، سنت و عقل بدیهی و دلایل کشف آموزه‌های دینی از منابع یاد شده از کتاب و سنت و اجماع و عقل است. (علی پور. پارادایم اجتهادی دانش دینی، ۱۳۹۰. صص ۵۲-۵۵)

در همین راستا واژه استنباط در اصطلاح فقه که به معنای به دست آوردن احکام شرعی حوادث واقعه و مسائل نوین از عناصر خاص و ادله معتبر از راه سعی و کوشش است موضوعیت پیدا می‌نماید، بر این اساس، استنباط مرادف با اجتهاد است. (جناتی، تطور اجتهاد در حوزه استنباط، ۱۳۸۶. ج اول. ص ۸۱) آن‌گونه که مرحوم آخوند خراسانی در کتاب کفایه الاصول تعریف اجتهاد را، به کار گرفتن توان در راه به دست آوردن و یافتن حجت بر حکم شرعی می‌داند. (آخوند خراسانی، کفایه الاصول، ۱۴۱۷ ق.ص ۴۶۳) کما اینکه واژه استنباط، به تطبیق قواعد کلی، مشترک و مشخص بر

رویدادها و مواردی ویژه و به دست آوردن حکم شرعی از آن، البته مشروط بر این که حجیت این قواعد در اصول ثابت شده باشد، تعریف شده است. (احمد الخشن، سلامتی و بهداشت از دیدگاه فقه، ۱۳۹۲. ص ۹) اینان اجتهاد را کوششی علمی بر اساس منابع معتبر، به واسطه ابزار و عناصر لازم برای تفهم، اکتشاف و استخراج مطلق آموزه‌های دین به گونه‌ای که از اعتبار (حجیت یا صرفاً منجزیت و معذرت) برخوردار باشد، تعریف کردند. این نوع از اجتهاد، از نظر منطقی، عقلی، عقلایی و حجت شرعی پذیرفته بوده، علاوه بر اجتهاد دینی، اجتهاد علمی و اجتهاد فلسفی و متافیزیکی را نیز شامل می‌شود. در مراحل مقدماتی این اجتهاد، پژوهشگر مجتهد نیازمند توانمندی‌هایی در علوم و فنون مختلف است که خود مقدمه‌ای برای نوعی خاص از پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در متون دینی و قرآن تلقی می‌شود. تنها بعد از حصول این توانمندی‌ها، مراحل اصلی اجتهاد آغاز می‌شود که شامل مراحل زیر است.

اول: موضوع شناسی و اشراف و احاطه به لحاظ معنایی و مفهومی بر موضوع و توان تطبیق بر مصادیق.

دوم: رجوع به منابع و ادله برای کشف حکم، با مراجعه مستقیم به قرآن و یا غیر مستقیم (با واسطه دلیل عقل، اجماع، شهرت‌های متقدمان، سیره عقلا و...) برای دریافت نظر قرآن و سنت تا حکم شرعی را کشف نماید.

سوم: استنتاج و تشکیل صورت قیاس منطقی، به اینکه بعد از کشف حکم از متن دین، آن را در یک شکل و صورت قیاس منطقی، ساماندهی نموده استنتاج و اعلام نماید.

علاوه بر این، پژوهشگر مجتهد در استفاده از متن در فرایند اجتهاد، باید اصول ذیل را نیز رعایت نماید:

۱- گزاره حاصل از متن قرآن، که با استفاده از روش اجتهادی به دست آمد، نباید با ضروریات و بدیهیات عقلی که یکی از ادله بنیادین کشف حکم است مغایرت داشته باشد.

۲- گزاره حاصل از متن قرآن، که با استفاده از روش اجتهادی به دست آمد، نباید با سنت و اجماع محصل از آن جهت که معصوم در آن حضور دارد مغایرت داشته باشد.

۳- همین‌طور گزاره حاصل از سنت نیز نباید با ضروریات عقل و نصوص و ظواهر قرآن و نیز اجماع محصل در تنافی آشکار باشد.

۴- قبل از استفاده از متن، باید نسبت به کشف صحت سند و منشأ صدور و منبع سند نیز بررسی کافی صورت گرفته اطمینان حاصل شود. یعنی علاوه بر دلالت‌های متنی، از لحاظ منشأ صدور هم اطمینان حاصل شود. به‌طوری که کشف دلالت متن به‌طور خاص انجام پذیرد. به این معنا که متن را در ارتباط با مؤلف و شرایط محیطی صدور در نظر گرفته، با استفاده از تمام امکانات و قواعد و... تفسیری به کشف مراد جدی مؤلف به‌صورت منصوص یا ظاهر پرداخته و بدین ترتیب به معنای خاص و متعین و تثبیت شده‌ای از متن دست پیدا می‌کنیم.

بر این اساس، شیوه مورد پذیرش در پارادایم تفکر قرآنی نوعی از شیوه اجتهادی است که توضیح داده شد و بر تمام بخش‌های نظام پژوهشی پارادایم تفکر قرآنی حاکم است، زیرا آن را نظامی می‌داند که اصول و مبانی آن از قرآن و روایات استخراج شده و با اصول عقلی نیز کاملاً منطبق است. نوعی از روش علمی کسب معرفت که علاوه بر علوم تجربی و علوم انسانی و اجتماعی، به جهت ورود به عرصه آموزه‌های وحیانی، بهترین روش علمی در حوزه معرفت‌شناختی است. ساحتی از پارادایم تفکر قرآنی که

به موازات پیشرفت جوامع بشری و علوم انسانی و تجربی و حتی متافیزیک، از روش‌های نوینی برای استنباط و اجتهاد استفاده نموده تا عرصه کاربرد استنباط و اجتهاد در کسب معرفت گسترش یابد. در این روش اجتهادی و پژوهشی نوین، لازم است تا شخص مجتهد افزون بر منابع اصلی اجتهاد، یعنی قرآن، سنت، عقل و اجماع، شرایط زمان و مکان، و علوم مرتبط با گزاره اجتهادی را نیز در کسب معرفت و استنباط احکام در نظر گرفته و بر طبق مقتضیات زمان و شرایط آن و اکتشافات انسانی در علوم، به مسائل جدید بپردازد. برای این کار لازم است تا با توجه به پیشرفت علوم جدید و دستاوردها و اثرگذاری شگرف آن در زندگی انسان‌ها، یا فقیه شخصاً با علوم جدید مرتبط با گزاره‌های اجتهادی، آشنایی داشته باشد، یا از کارشناسان این علوم در جریان پژوهش و صدور حکم بهره‌گیرد تا ضمن برخورداری از اصول پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، در حوزه رعایت اصول پژوهش و کشف و صدور حکم و تشخیص موضوع و مصداق گزاره اجتهادی دچار اشتباه نشود. (احمد الخشن، سلامتی و بهداشت از دیدگاه فقه، ۱۳۹۲. ص ۱۲) با توجه به همین نیاز روشی و بینشی است که در بحث روش استخراج و پژوهش در اجتهاد و استنباط، بعضی از دانشمندان اسلامی معاصر به خوبی به لزوم اتخاذ روش میان‌رشته‌ای به لزوم داخل نمودن علوم آکادمیک جدید به حوزه اجتهاد و استنباط اشاره نموده، در صدد احیاء و به‌کارگیری آن در اجتهاد و استنباط هستند. (جوادی آملی، مفاتیح الحیاء، ۱۳۹۱. ص ۴۹)

همان‌طور که بیان شد، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، در حقیقت کثرت‌گرایی روش‌شناختی مبتنی بر گفتگو و چالش مؤثر بین گستره‌ها در تحلیل مسئله‌ای واحد و شناخت یک پدیده در پرتو گفت‌وگوی مؤثر بین رهیافت‌های دانش‌های مختلف‌اند. (احد قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۱۳۸۸، ص ۳۳۴) بر همین اساس بعضی از محققین قرآنی معاصر، روش تحقیق در مطالعات قرآنی را بر اساس بهره‌گیری مفسر و پژوهشگر قرآنی از علوم مختلف به دو گروه تقسیم کردند. که در روش اول، پژوهشگر تنها با دارا بودن اطلاعات علوم قرآنی به پژوهش‌های قرآنی و تفسیری می‌پردازد، و یافته‌های تحقیقاتی او به‌عنوان پژوهش تک‌رشته‌ای با روش علمی و اختصاصی آن رشته در روش‌شناسی مورد مطالعه و مذاقه قرار می‌گیرد، لذا از دایره پژوهش‌های میان‌رشته‌ای خارج است. ولی در روش دوم این تقسیم‌بندی، پژوهشگر علاوه بر اطلاعات علوم قرآنی با داشتن اطلاعات لازم از رشته یا رشته‌های علمی دیگر، از بین علوم تخصصی رایج در رشته‌های علوم انسانی، علوم تجربی، و یا علوم تخصصی دیگر، با رعایت اصول و قواعد خاص، به پژوهش در قرآن و متون وحیانی می‌پردازد. بدین‌صورت که در این روش در حقیقت یک موضوع از دیدگاه دو، یا چند دانش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این صورت گزاره‌های دینی حاصل از این نوع پژوهش‌ها، تحت عنوان گزاره‌های دینی حاصل از پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، موردبررسی و قضاوت قرار گرفته، با اسلوب و اصول پژوهش‌های بین‌رشته‌ای سنجیده می‌شوند. (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن ۳، ۱۳۸۹، صص ۷۸، ۷۹)

در روش‌شناسی پژوهش‌های بین‌رشته‌ای اصول چهارگانه‌ای مطرح است که عدم رعایت آن، پژوهش را از اعتبار و حجیت علمی ساقط می‌نماید که عبارت‌اند از: دیگران نیز شاید از حقیقت برخوردار باشند- سخن دیگران را باید با همدلی، و در عین

حال نقادانه شنید- چالش بین دیدگاه‌ها، مجالی برای چالش بین رویکردهاست- در چالش بین رهیافت‌ها، می‌توان از روش‌های مطالعه تطبیقی بهره جست. (حسینی کوهی خیلی، نظام جامع سلامت اجتماعی از منظر قران و روایات، ۱۳۹۴. ص ۱۱۲) همچنین به لحاظ روش‌شناختی در پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، پژوهش‌ها به دو گونه قابل انجام است: اول: پژوهش‌های بین‌رشته‌ای مبتنی بر برنامه مکانیکی؛ که در آن پژوهشگر به دور از حصر‌گرایی پژوهشی و روش‌شناختی، آرای متفاوت از علوم مختلف را با طرح و برنامه‌ای هدفمند، در یک نظام معرفتی خاص گردآوری نموده، نسبت به هیچ‌یک در مقام قضاوت قرار نمی‌گیرد و تنها به جمع‌آوری آرا اقدام می‌نماید. دوم: پژوهش‌های بین‌رشته‌ای مبتنی بر برنامه دینامیکی که در آن پژوهشگر به گونه‌ای پویا، آراء مختلف را به نحوی در تصرف و ترکیب می‌گیرد که خود به دیدگاه ژرف‌تری نسبت به دیدگاه‌های موجود می‌رسد. البته پژوهشگر در طول این‌گونه پژوهش، با دیدگاه‌های دیگر به نگاه رد و پوچی نمی‌نگرد، بلکه با مواجهه هدفمند و با برنامه، نسبت به ایجاد چالش و گفت‌وگوی مؤثر بین نظرات، در قبال آن‌ها اقدام نموده با به چالش کشیدن دیدگاه‌های متفاوت موجود درصدد ایجاد دیدگاه ژرف‌تری در آن موضوع است. (احد قراملکی. روش‌شناسی مطالعات دینی، ۱۳۸۸. صص ۲۳۳، ۲۳۲) برای تبیین جایگاه روش‌شناختی پژوهش‌های بین‌رشته‌ای تقسیم‌بندی‌های دیگری هم عنوان شد که از جمله آن می‌توان به تقسیم منطقی اشاره کرد.

به لحاظ منطقی روش پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی می‌تواند بسیط و یا ترکیبی باشد. روش بسیط شامل سه روش قیاسی-تعقلی، استقرایی و یا تمثیلی است. روش‌های ترکیبی ماهیتی مستقل نداشته بلکه متضمن روش‌های بسیط هستند که از آن ترکیب یافته‌اند؛ مثلاً از ترکیب روش استقرایی با روش قیاسی-تعقلی، روش تجربی

حاصل می‌شود که متضمن اصول و قواعد هر دو این روش‌ها است. (علی پور، پارادایم اجتهادی دانش دینی، ۱۳۹۰. ص ۷۰) کما اینکه اینگونه تقسیمات در حوزه دین‌پژوهی هم انجام شده است، مثلاً در کنار دین‌پژوهی با رویکردهای درون و برون‌متنی، رویکرد سومی هم وجود دارد که خود دارای مدل‌های متفاوتی است. مدل اول: در کنار بهره‌مندی از کتاب و سنت، استفاده از عقل و استدلال‌ات عقلی را نیز لازم و ضروری می‌داند، یعنی در دین‌پژوهی روش استفاده از عقل و نقل را به صواب دانسته و بکار می‌گیرد. مدل دوم: روش مکتب تفکیک که با پذیرش روش‌های قرآنی، عرفانی، و برهانی در عرصه دین‌پژوهی، بر تفکیک این سه از همدیگر و در نتیجه تفکیک شناخته‌ای حاصله نیز تأکید دارند تا از شناخت‌ها و معارف مخلوط قرآنی، عرفانی، عقلی جلوگیری شود. این مکتب به جداسازی فلسفه و عرفان از تعلیم و حیانی قرآن تأکید دارد. به نظر می‌رسد این گروه از دین‌پژوهی در دسته روش‌های ترکیبی قرار دارند که باید ملتزم به قوانین حاکم بر هر یک از روش‌های بسیط دخیل در این ترکیب باشند. اقتضاء پیچیدگی مسائل انسانی در دوران معاصر و گستردگی این موضوعات از یکسو، و لزوم پاسخگویی دین در عرصه‌های مختلف از سوی دیگر، دین‌پژوهان را بر آن داشته تا در عرصه دین‌پژوهی محصور به یک روش خاص نشده بلکه از روش جمع دو رویکرد درون و برون‌متنی، یعنی روش‌های ترکیبی در کنار استفاده از کتاب و سنت و عقل تاریخ و شهود و... استفاده نمایند. آن‌گونه که با عقل به اثبات و حجیت دین پرداخته و سپس با بهره‌گیری از تجربه و تاریخ و شهود به تأیید باورهای دینی بپردازند. (خسرو پناه، کلام جدید ۱۳۸۳، صص ۶۷-۷۶۰)

با توضیح فوق‌انتظاری که از روش بین‌رشته‌ای باید داشت، یک روش ترکیبی، با رعایت اصول و قواعد حاکم بر هر یک از روش‌های علمی موجود و روش اجتهادی

مرسوم حوزه‌های دینی است. در این زمینه نیز التفات به اصول پژوهش‌های علمی و توجه کامل و همه‌جانبه به گستره وسیع آموزه‌های دینی و هم‌چنین روشمندی اصولی پژوهش و استفاده از راه‌کارهای صحیح استنباط و دریافت احکام موضوعات از منابع معتبر علمی و دینی برای این‌گونه از تحقیقات لازم دانسته شد. کما اینکه بی‌توجهی به مسئله اول یعنی اصول پژوهش‌های علمی، منجر به موضوع شناسی نامناسب و پاسخ‌های ناقص، نامربوط و غیر کارآمد در مورد موضوع تحقیق خواهد شد؛ و عدم توجه به مسئله دوم یعنی توجه کامل و همه‌جانبه به گستره وسیع آموزه‌های دینی، منجر به شناخت غلط یا ناقص از آموزه‌های اسلامی و منجر به «تفسیر به رأی» و ارائه تفسیرها و نظرات بدعت گونه از دین خواهد شد. آن‌گونه که بعضی از دانشمندان دینی معاصر به‌خوبی این موضوع را بیان نموده‌اند که راز جاودانگی اسلام در داشتن منابع غنی و تشویق به استنباط مبانی قویم از آن منابع سرشار و ترغیب به استخراج مواد فقهی، حقوقی، اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، درمانی و... است؛ و به‌منظور تکامل برداشت از منابع عقلی و نقلی و تعامل بیش‌تر با آن‌ها می‌توان دو طرز اجتهاد را به جامعه بشری تعلیم و یادآوری کرد که هر یک مکمل دیگری است، هرچند یکی از آن دو اصلی‌ترین سبک اجتهاد است:

- ۱ - اجتهاد نخست که اصلی‌ترین سنخ آن به شمار می‌رود همان است که در ۲۹ حوزه‌های علمی رایج و در میان مجتهدان فن شریف فقه و اصول دارج است.
- ۲ - ... اجتهاد دوم که صبغی موضوع پروری آن واضح و جریان اجرایی بودن نه تقنینی آن روشن است. این اجتهاد به هیچ وجه صبغی تشریح نداشته و کاملاً از بدعت منحوس منزله و از لوث سنت‌شکنی مبراست، زیرا زیربنای مشروعیت قانونی خود را از اصول عقلی و مبانی نقلی گرفته و از اطلاقات و عمومات، مطلوب بودن چیزی را

کشف کرده و در کیفیت اجرا و تعامل آن سعی بلیغ شده تا به صورت کاربردی و کارآمد مقبول جامعه گردد. این‌گونه امور از سطح اجتهاد دوم است که با کارشناسی نخبگان و فرهیختگان هر فن و رشته‌ای پس از احراز اصل مشروعیت و قانونی بودن آن و بعد از بررسی موضوع شناسانه همه‌جانبه تصویب می‌شود. غرض آن که دینی که جامع منبع و مبنا و ماده‌های فراوان از یک‌سو و اجتهادهای متنوع از سوی دیگر است توان آن را دارد که زمان و زمین را درنوردد و پویا و مانا باشد. (جوادی آملی، مفاتیح الحیاه ۱۳۹۱، ص ۴۹) برای آن دسته از پژوهش‌های بین‌رشته‌ای که یکی از رشته‌های آن به قرآن و تفسیر قرآن بر می‌گردد، علاوه بر مواردی که باید در پژوهش‌های بین‌رشته‌ای رعایت شود، مبانی خاص دیگر و قواعد اجرایی خاص دیگری هم ذکر کردند. کما اینکه برای پژوهش‌های بین‌رشته‌ای قرآنی مبانی خاصی بیان شد که عبارت‌اند از: لزوم اعتقاد به جواز و حجیت تفسیر علمی - لزوم استفاده از دلایل یقینی و علم قطع آور و ممنوعیت کاربرد دلایل و قرینه‌های غیر علم و غیر علمی در تفسیر آیات - رعایت گستره و قلمرو قرآن و علوم، با دیدگاه‌های سه‌گانه حداکثری، حداقلی، و اعتدالی - لزوم اعتقاد به رابطه سازگارانه قرآن و علم - لزوم اعتقاد به عدم وجود تعارض واقعی بین قرآن و علم - اعتقاد به اینکه هدف اساسی و اصلی قرآن، هدایت انسان به سوی خداست. (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن ۳، ۱۳۸۹. صص ۸۲-۸۶)

همین‌طور برای این‌گونه از پژوهش‌های بین‌رشته‌ای قرآنی، قواعد اجرایی خاصی نیز ذکر کردند که رعایت آن در حین پژوهش لازم و ضروری است، این قواعد شامل: استفاده از علوم تجربی قطعی و ابزارهای علمی، در کنار منابع معتبر کتاب، سنت، عقل، به‌عنوان قرینه‌ای برای فهم آیات - لزوم توجه در تفسیر آیات، به هدف اصلی قرآن و اهداف سوره‌ها و آیات، و مقاصد نزول - لزوم توجه نمودن به سیاق زبانی و فضای

تاریخی آیات و سوره‌ها - لزوم استفاده از علوم تجربی معتبر و عدم استفاده از غیر قطعیات، و احتیاط در مواردی که علوم تجربی ظنی و در حد نظریه مطرح‌اند - لزوم استفاده از قاعده جری و تطبیق و الغای خصوصیت زمانی و مکانی و فردی از آیات، در مصادیق جدید و در هر عصری استفاده کرد. (حسینی کوهی خیلی، نظام جامع سلامت اجتماعی از منظر قرآن و روایات، ۱۳۹۴ ص ۱۱۵)

نتیجه

۱- لزوم گسترش پژوهش‌های بین‌رشته‌ای دین‌پژوهی و قرآن‌کاوی به تمام علوم مرتبط اگرچه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در پارادایم‌های مختلف قابلیت انجام دارند، ولی این نوع از پژوهش‌های بین‌رشته‌ای دین‌پژوهی و قرآن‌کاوی تنها در پارادایم اجتهادی دانش دینی با محوریت به‌کارگیری شیوه و روش نوین استنباط و اجتهاد قابلیت انجام دارند. متأسفانه علی‌رغم اینکه استنباط و اجتهاد از روز تولد در حقیقت نوعی پژوهش بین‌رشته‌ای تلقی می‌شد، لکن به‌کارگیری آن محدود به علوم خاصی مانند: ادبیات، معانی و بیان و رجال و... بوده است. لازم است تا این نوع از پژوهش‌های بین‌رشته‌ای دین‌پژوهی و قرآن‌کاوی در حوزه استنباط و اجتهاد به تمام علوم مرتبط گسترش یابد. نویسنده بر این باور است که دایره پارادایم اجتهادی علاوه بر فقه، تمامی موضوعات مربوط به انسان و جهان هستی را به‌گونه‌ای که در فقه جاری است در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر همانطور که از تمام آیات و روایات و منابع اسلامی و قواعد اصولی برای استنباط موضوعات فقهی استفاده می‌شود، می‌توان و می‌بایست در تمام حوزه‌های انسانی نیز از آن استفاده نمود. تا بتوان همانند حوزه فقه، برای سایر حوزه‌ها نیز آموزه‌های لازم بر اساس پارادایم تفکر قرآنی، اعم از قواعد، اصول، و احکام کلی، در تمام ابعاد آن کشف، تدوین، و ارائه نمود، به‌طوری که نتیجه حاصله از آن قابلیت ارائه

را داشته، به دلیل برخورداری از روشی مستحکم، نزد جوامع علمی و دینی نیز پذیرفته باشد.

۲- پژوهش‌های بین‌رشته‌ای موجب فهم بهتر آیات و حیانی قران و سبب رسیدن به تفسیری روزآمد و نگاهی دقیق‌تر به موضوعات قرآنی.

نگارنده معتقد است اتخاذ روش بین‌رشته‌ای به‌عنوان روش پژوهشی در تحقیق، به دلیل تسلط محقق به موضوع از دو جهت علمی و دینی، موجب فهم بهتر آیات و روایات و سبب رسیدن به تفسیری روزآمد و نگاهی دقیق‌تر به موضوعات تحقیق‌شده، مسائل مستحدثه علمی را نیز از زوایای گوناگون علوم، از جمله علم دینی مورد بررسی قرار می‌دهد. در این روش پس از شناخت کامل و جامع و علمی از مسئله، و توجه به شکل خاص هستی‌شناختی و انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی که در پارادایم تفکر قرآنی ارائه شده است، نگاه اسلام به مسائل مبتلابه انسانی با استفاده از روش اجتهادی در پارادایم قرآنی تشریح شده، در پاسخگویی به پرسش‌های نو آمد موضوعات در جامعه، به‌صورت فعال و روزآمد عمل می‌نماید. این روش نوپدید بین‌رشته‌ای می‌تواند خود مقدمه‌ای برای کشف اعجازهای قرآنی و نظریه پردازی‌های علمی قران و ورود سایر محققین به این بخش شده، به فهم و درک بطون و حقایق قران که راهگشای زندگی و سعادت دنیوی و اخروی انسان است نائل گردد. انشاء الله

۳- تدوین آکادمیک روش‌شناختی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای دینی در پارادایم

اجتهادی

نویسنده معتقد است با پیشرفت و تخصصی شدن علوم و پژوهش‌های آکادمیک و علمی در جهان معاصر، خصوصاً علوم انسانی، به نظر می‌رسد، برای استفاده از پارادایم اجتهادی در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای دینی، ابتداءً لازم است با امتزاج روش‌های علمی-

اجتهادی برای کشف حقایق قرانی در موضوع سعادت و هدایت بشری و کاربست پژوهش‌های بین‌رشته‌ای مرتبط با متون وحیانی و از جمله آن قران کریم، با نگاه خاص روش‌شناختی برای پژوهش‌های دینی، این روش مقبول پژوهشی به‌صورت آکادمیک تدوین گردد. به‌طوری که ضمن دارا بودن تمام مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی، راه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای دینی را برای محققان این عرصه هموارتر و آسان‌تر نماید. استفاده از پارادایم اجتهادی در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای دینی، با تأمین نقطه نظرات محققین دو طرف حوزوی و دانشگاهی، قادر است ضمن پایه‌گذاری روش خاصی از پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، از یک‌طرف با استفاده از قطعیات علوم در تفسیر و تاویل آیات موفق‌تر عمل نموده، دستیابی به بطون قران آسان‌تر شده، به کشف و ارائه هرچه بیشتر آموزه‌های وحیانی در موضوعات کمک نموده، بسته‌های هدایتی قران را در تمام موضوعات انسانی و اجتماعی کشف و به جامعه جهانی عرضه نماید، و از سوی دیگر استفاده از علوم وحیانی را برای کمک به پژوهش‌های علمی در راه رسیدن به تمام حقایق هستی، فراتر از حقایق تجربی و روابط اجتماعی و... را در جریان پژوهش‌های آکادمیک هموارتر نماید.

منابع

قرآن کریم

- ۱) احد قراملکی، فرامرز، (۱۳۸۸)، روش شناسی مطالعات دینی، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ پنجم.
- ۲) احمد الخشن، حسین، (۱۳۹۲)، سلامتی و بهداشت از دیدگاه فقه، ترجمه: موسی دانش، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۳) آخوند خراسانی، (۱۴۱۷)، محمدکاظم، کفایه الاصول، قم، موسسه آل بیت.
- ۴) استرول. اورام، (۱۳۸۴)، فلسفه تحلیلی در قرن بیستم. ترجمه: فریدون فاطمی، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم.
- ۵) اندیشکده یقین، (۱۳۹۲)، رویکردهای طرح ریزی دکترینال. مرکز بررسی‌های دکترینال. چاپ دوم.
- ۶) توفیقی، حسین، (۱۳۹۰)، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، چاپ چهاردهم.
- ۷) جناتی، محمد ابرهیم، (۱۳۸۶)، تطور اجتهاد در حوزه استنباط، تهران، انتشارات امیر کبیر.

۸) جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیاه، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ پنجاه و چهارم.

۹) چالمرز، الن اف، (۱۳۷۹)، چیستی علم. ترجمه: سعید زیبا کلام، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

۱۰) حسینی کوهی خیلی. سید جواد، (۱۳۹۴)، نظام جامع سلامت اجتماعی از منظر قرآن و روایات، رساله دکتری. جامعه المصطفی العالمیه.

۱۱) خاکی، غلامرضا، (۱۳۹۴)، روش تحقیق در مدیریت، تهران، انتشارات فوزان، چاپ چهارم.

۱۲) خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۸۳)، کلام جدید، قم، انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه، چاپ سوم.

۱۳) خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۹۰)، الگوی حکمی - اجتهادی علوم انسانی، فصلنامه علمی - پژوهشی جاویدان خرد، سال هشتم، شماره سوم.

۱۴) رجبی، محمود، (۱۳۷۹)، انسان شناسی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.

۱۵) رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۹)، منطق تفسیر قرآن ۳، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ اول.

- ۱۶) طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۲۲)، نه‌ایه الحکمه، قم، موسسه نشر اسلامی.
- ۱۷) طهماسبی، علی، (۱۳۷۹)، دغدغه‌ای فرجامی، تهران، انتشارات یاداوران.
- ۱۸) عابدی شاهرودی، علی، (۱۳۸۵)، جایگاه‌شناسی علم اصول، روشها، منابع و ادله در علم اصول، به کوشش سید حمید رضا حسینی، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- ۱۹) علی پور، مهدی، (۱۳۹۰)، پارادایم اجتهادی دانش دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
- ۲۰) قرآن کریم، (۱۳۸۵)، ترجمه سید محمد رضا صفوی، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول.
- ۲۱) مورن، ادگار، (۱۳۷۹)، در آمدی براندیشه پیچیده. ترجمه: افشین جهاننیده، تهران، نشر نی، چاپ اول.
- ۲۲) نیلفروشان، محمد علی، جلیل ضرابی، محمدباقر میرفتاحی، (۱۳۶۳)، بهداشت، وزارت بهداشت، تهران، حوزه معاونت بهداشتی، چاپ اول.
- ۲۳) Schwan, T. (۲۰۰۱) A Dictionary of Qualitative Inquiry (۲nd ed.), Thousand Oaks, CA: Sage.P. ۱۶۱
- ۲۴) Harding, S. (۱۹۸۷) "Introduction: Is There a Feminist Method?«. In S. Harding (Ed.), Feminism and Methodology: Social Science Issues (pp. ۱-۱۴). Bloomington: Indiana University Press.P. ۲